

## هدف و چارچوب تعلیم و تربیت از منظر اسلام

اولین و اساسی ترین هدف دین در تربیت انسان ها این است که می خواهد افکار و تفکرات و عقول و احساس مردم را رهبری کرده و انسان را متوجه عوالم روحی و معنوی نماید.



اولین و اساسی ترین هدف دین در تربیت انسان ها این است که می خواهد افکار و تفکرات و عقول و احساس مردم را رهبری کرده و انسان را متوجه عوالم روحی و معنوی نماید. به گزارش خبرگزاری مهر، 8 اسفند به نام روز امور تربیتی و تربیت اسلامی نامگذاری شده و امروز 10 اسفند هم همایش تعلیم و تربیت اسلامی برگزار می شود، که این امر اهمیت تربیت را در جامعه نشان می دهد. از دید دین، اولین و اساسی ترین هدف در تربیت انسان ها این است که می خواهد افکار و تفکرات و عقول و احساس مردم را رهبری کرده و انسان را متوجه عوالم روحی و معنوی نماید گرچه در جنبه های مادی زندگی، دستورات و تعالیم اسلام، بی اندازه چشمگیر و فراوان است.

دین به مردم می آموزد که زندگانی انسان، تنها خوردن و خوابیدن و امثال آنها نیست. بلکه بشر برای هدف های عالیتری آفریده شده است دین به انسان می فهماند که بشر صرفا جسم خاکی آمیخته از عناصر مادی محکوم به فنا و نابودی نیست. بلکه انسان، گوهری فناپذیر و موجودی غیر قابل زوال است. جسم و بدن انسان، فقط به منظور تجلیات ظاهری و فعالیت های مادی، آن هم به طور موقت و موسمی مورد استفاده او قرار می گیرد. حوائج و نیازهای بشر منحصر در مادیات نیست و انسان نیازمندی های لطیف تری دارد که روحانی و عقلانی است و با ارشاد و تعلیم انبیاء و پیامبران، بشر به این نیازمندی ها و تامین آنها رهبری می شود.

در امر جوائج مادی و تامین آنها انسان با حیوان برابر است، حتی در برخی از این گونه حوائج، حیوان مقامی برتر از انسان دارد چنانکه خداوند به همین نکته در آیه 46 سوره فرقان اشاره کرده است: آیا چنین می پنداری که اکثر آنها می شنوند و یا می اندیشند؟ آنان چهارپایانی بیش نیستند، بلکه گمراه تر و پست ترند.

انسان به خاطر داشتن صفات ملکوتی بر حیوان فضیلت دارد. لذا طلوع احساسات دینی که جنبه های ملکوتی و روحانی انسان را از لحاظ تربیت در درجه اول اهمیت قرار داده است. به تدریج، حوائج مادی را مغلوب ساخته و انسان بیش از هر چیزی از مسائل عقلی و روحی لذت می برد و همواره از این راه احساس نشاط و رضایت می نماید.

با این که دین درصدد تربیت و تعالی انسان در تمام شئون حیات مادی و معنوی است، اما متاسفانه دیده می شود که در بسیاری از موارد نتوانسته به هدف خود نائل گردد. سر آن این است که در شرق و غرب جهان پاره ای از آداب و رسوم منطقه ای و احیانا خرافات با حقایق دینی آمیخته شده، و رنگ دینی به خود گرفته و به علت مرور زمان و گم گشتن حقیقت، بازشناختن این بدعتها از حقایق دینی برای اکثر مردم دچار اشکال شده است.

گروهی از مردم نیز، ترک دنیا و اهمال در امر زندگانی مادی و چشم پوشی از تمایلات فطری را به عنوان یک هدف دینی تلقی کردند. و حال آنکه در تعالیم دینی، ارضاء عادلانه همه این فطرت ها و غرائز مورد توجه است چون این غرائز را خداوند در نهاد بشر قرار داده و آن را بیهوده نیافریده است و بشر باید با توجه به تعالیم دینی برای ادامه حیات به نحو مطلوب از آنها بهره برداری کند.

قرآن هم در آیه 32 سوره اعراف می فرماید بگو چه کسی زینت های خدا و روزی های پاکیزه را که برای بندگان بیرون آورده حرام کرده است؟ یعنی آنها، حرام نیستند و به خاطر تمتع بندگان بوسیله آنها، از راه صحیح و عادلانه، آفریده شده است.

دسته ای از رهبران دینی، دین را به صورت وسیله و ابزاری برای ارتزاق و نیل به هدف های مادی و یا به صورت وسیله ای برای تظاهر و خودنمایی درآوردند. و این حقیقت کم و بیش در قلمرو تمام ادیان موجود مشاهده می گردد. بنابراین اگر یک مربی با داشتن برنامه صحیح تعلیم و تربیت خود ناقص و قاصر باشد، چگونه می تواند جامعه و یا فرد کاملی را تربیت کند.

علاوه بر اینها، عده ای در شناساندن حقایق دینی دچار نقص و جهل می باشند به همین علت به جای نزدیک ساختن مردم به خدا، آنها را از آفریدگار خود و ایمان به مبدا و معاد و تعالیم دینی، دور می سازند.